

علیت فاعلی

از دیدگاه متکلمان و فیلسوفان اسلامی

سیدصدرالدین طاهری^(۱)

چکیده

علیت محور بسیاری از روابط طبیعی است که در علوم تجربی مورد تحقیق قرار میگیرد و هم‌اکنون مبنای کشف قوانین علمی است. همچنین کاربرد قوانین علوم، اعم از آنچه به فرد، اجتماع یا دیگر قلمروهای طبیعی – اعم از حیوان، گیاه یا جمادات – مربوط میشود، همگی بر محور علیت است. در این نوشتار سعی بر اینست که اعتبار اصل علیت از دیدگاه دو فرقه کلامی معتزله و اشاعره و همچنین دو مکتب فلسفه اسلامی مشاء و متعالیه (از ابن‌سینا تا علامه طباطبایی)، بررسی شود. این تحقیق شامل یک مقدمه، سه گزارش تفصیلی و یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است.

کلیدواژگان: علت، معلول، معتزله، اشاعره، فلسفه مشاء، حکمت متعالیه.

مقدمه

مردم عادی در زندگی روزمره و دانشمندان و متخصصان علوم طبیعی در تحقیقات خود، اصل علیت را بدون کنکاش در واقعیت آن، بکار میگیرند و اغلب به نتیجه مورد انتظار خود میرسند؛ حتی

اگر در موردی با ناکامی روبرو شوند نیز مشکل را در ناحیه تشخیص خودشان نسبت به شناخت علت و معلول جستجو میکنند. برای مثال، اگر پزشک دارویی را تجویز کرد و نتیجه نگرفت، به این می‌اندیشد که در شناخت رابطه بین آن دارو و بهبود آن بیماری خاص، دچار اشتباه شده و هرگز در مورد اصل علیت دچار تردید نمیشود. متکلمان و فلاسفه نیز در زندگی عادی همین تلقی را نسبت به اصل علیت و روابط علت و معلولی بین پدیده‌ها دارند اما در مقام یک متخصص در رشته‌های خودشان، وضع دیگری اتخاذ میکنند و از نگاه دیگری به مسئله مینگرند. آنها به این می‌اندیشند که آیا اصولاً رابطه‌ی ذاتی میان آنچه علت و آنچه معلول شناخته میشود، وجود دارد یا اینکه اعتقاد ما به این مطلب ناشی از عادت و ملاحظه مکرر در پی هم آمدن پدیده‌های خاص است؟

متکلم و فیلسوف، در شرق و غرب، به این پرسش رسیده و در پی یافتن پاسخ صحیح آن برآمده‌اند، ولی هر یک «از ظن خود یار آن شده‌اند». فیلسوفان تجربی، نظیر دیوید هیوم، بدون توجه به مبانی دینی به مسئله پرداخته ولی اصل مورد نظر خود را، که تقید به اصالت درک تجربی و

(۱). استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (عضو هیئت تحریریه خردنامه صدرا)؛ ss_tahery@yahoo.com